

Letzter Sonntag nach Epiphanias

Über dir geht auf der HERR,
und seine Herrlichkeit erscheint über dir.

اما نور خداوند بر تو خواهد تابید، و روشنایی حضور او با شما خواهد بود.
Jesaja 60,2

Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 019 (Seite 79)

پرتو او مثل نور برق درخشان است و از
دستهایش که قدرت او در آنها نهفته است،
نور می‌تابد.

خداوند سلطنت می‌کند، پس زمین شادی
کند و جزیره‌ها مسرور گردند.

ابرها و تاریکی او را احاطه کرده‌اند.
سلطنت او بر عدالت و انصاف استوار
است.

آسمانها عدالت او را اعلام می‌کنند و همه
اقوام جهان جلال او را مشاهده می‌کنند.

او جان مؤمنین خود را حفظ می‌کند و آنها
را از دست شریر نجات می‌دهد.

نور خدا بر مردمان صالح می‌تابد و
شادمانی نصیب نیکوکاران می‌گردد.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Des HERRN Glanz war wie Licht;
Strahlen gingen aus von seinen /
Händen. * Darin war ver- / borgen
seine Macht.

Der HERR ist König; des freue sich
das / Erdreich * und seien fröhlich
die Inseln, / so viel ihrer sind.

Um ihn her sind Wolken und /
Dunkel * Gerechtigkeit und Ge-
richt sind seines / Thrones Stütze.

Die Himmel verkündigen seine
Ge- / rechtigkeit, * und seine Herr-
lichkeit sehen / alle Völker.

Der Herr bewahrt die Seelen sei-
ner / Heiligen; * aus der Hand der
Gottlosen wird er / sie erretten.

Dem Gerechten muss das Licht im-
mer wieder auf- / gehen * und
Freude den / frommen Herzen.

Ehre sei dem Vater und dem /
Sohne * und dem Hei- / ligen
Geiste,

wie es war im Anfang, jetzt und /
immerdar * und von Ewigkeit zu
E- / wigkeit. Amen.

Lesung aus dem Alten Testament

2. Mose 3,1-14

- 1 یک روز وقتی موسی گله گوسفندان و بزهای پدر زرش بترون، کاهن مدیان را می‌چرانید، گله را به طرف غرب بیابان برد تا به کوه مقدس، یعنی سینا رسید.
- 2 در آنجا فرشته خداوند از میان شعله‌های آتش بوته‌ای بر او ظاهر شد. موسی نگاه کرد و دید که بوته شعله‌ور است اما نمی‌سوزد!
- 3 پس با خود گفت: «نزدیک بروم و این چیز عجیب را ببینم که چرا بوته نمی‌سوزد!»
- 4 وقتی خداوند دید موسی نزدیک می‌آید، از میان بوته آتش او را صدا کرد و فرمود: «موسی، موسی!»
- موسی عرض کرد: «بلی حاضرم.»
- 5 خدا فرمود: «نزدیکتر نیا! نعلینت را از پایت بیرون بیاور چون جایی که ایستاده‌ای زمین مقدس است.»
- 6 من، خدای اجداد تو هستم. خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب.» موسی صورت خود را پوشانید چون ترسید که به خدا نگاه کند.
- 7 آنگاه خداوند فرمود: «زحمات قوم خود را که در مصر هستند دیدم و ناله و زاری آنها را از دست سرکارگران شنیدم. من تمام رنج و عذاب آنها را می‌دانم.»
- 8 «بنابراین نازل شده‌ام تا آنها را از دست مصری‌ها نجات بدهم و از مصر بیرون آورده به سرزمینی غنی و حاصلخیز بپریم. به سرزمینی که اکنون کنعانیان، جتیان، اموریان، فرزریان، حویان و یبوسیان در آن زندگی می‌کنند.»
- 9 من فریاد قوم خود را شنیده‌ام و می‌دانم که چگونه مصری‌ها به آنها ظلم می‌کنند.
- 10 حالا بیا تو را نزد فرعون بفرستم تا تو قوم من بنی‌اسرائیل را از این سرزمین بیرون بیاوری.»
- 11 موسی به خدا عرض کرد: «ای خداوند، من کیستم که نزد فرعون بروم تا بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون بیاورم؟»
- 12 خدا فرمود: «من با تو خواهم بود و وقتی که تو قوم مرا از مصر بیرون بیاوری، مرا در این کوه پرستش خواهید کرد. این نشانه‌ای خواهد بود که من تو را فرستاده‌ام.»
- 13 موسی به خدا گفت: «وقتی من به نزد بنی‌اسرائیل بروم و بگویم که خدای اجداد شما مرا نزد شما فرستاده است و آنها از من بپرسند که اسم او چیست، به آنها چه بگویم؟»
- 14 خدا فرمود: «هستم آنکه هستم. به بنی‌اسرائیل بگو او که 'هستم' نامیده می‌شود مرا نزد شما فرستاده است»

Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

2. Petrus 1,16-21

- 16 زیرا وقتی ما درباره قدرت خداوند ما عیسی مسیح و آمدن او سخن گفتیم به افسانه‌هایی که با مهارت ساخته شده‌اند متوسل نشدیم، زیرا ما با چشمان خود بزرگی ملکوتی او را دیده‌ایم.
- 17 وقتی خدای پدر به او افتخار و جلال داد، ما در آنجا حاضر بودیم و آن زمان که از جلال خداوندی، صدایی به او رسید که می‌گفت: «این است پسر عزیز من، از او خشنودم.» ما آنجا بودیم.
- 18 آری، ما وقتی با او بر روی کوه مقدس بودیم این صدای آسمانی را شنیدیم.
- 19 این همه، کلام انبیا را برای ما بیشتر تصدیق و تأیید می‌کند، پس شما باید با دقت بیشتر به آن توجه نمایید، زیرا کلام انبیا مانند چراغی است که در جایی تاریک می‌درخشد تا سپیده بدمد و ستاره صبح طلوع کرده، دل‌های شما را روشن گرداند.
- 20 اما بیش از همه چیز، این را به یاد داشته باشید که هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی پیشگویی‌های کتاب مقدس را تفسیر کند.
- 21 زیرا هیچ پیشگویی از روی نقشه و خواسته انسان به وجود نیامده است؛ بلکه مردم تحت تأثیر روح القدس، کلام خدا را بیان نمودند.

Evangelium

Matthäus 17,1-9

- 1 بعد از شش روز عیسی، پطرس و یعقوب و یوحنا برادر یعقوب را برداشته به بالای کوهی بلند برد تا در آنجا تنها باشند.
- 2 در حضور آنها هیئت او تغییر کرد، چهره‌اش مانند آفتاب درخشید و لباسش مثل نور سفید گشت.
- 3 در همین موقع شاگردان، موسی و الیاس را دیدند که با عیسی گفت‌وگو می‌کردند.
- 4 آنگاه پطرس به عیسی گفت: «خداوند چه خوب است که ما اینجا هستیم. اگر بخواهی من سه سایبان در اینجا می‌سازم: یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای الیاس.»
- 5 هنوز سخن او تمام نشده بود که ابری درخشان بر آنان سایه افکند و از آن ابر صدایی شنیده شد که می‌گفت: «این است پسر عزیز من که از او خشنودم. به او گوش دهید.»
- 6 وقتی شاگردان این صدا را شنیدند، بسیار ترسیدند و با صورت به خاک افتادند.
- 7 آنگاه عیسی پیش آنان آمده و بر آنان دست گذاشته گفت: «برخیزید، دیگر ترسید.»
- 8 وقتی شاگردان چشمان خود را باز کردند جز عیسی، کسی دیگر را ندیدند.
- 9 درحالی‌که از کوه پایین می‌آمدند، عیسی به آنان دستور داد تا روزی که پسر انسان پس از مرگ زنده نشده است درباره آن رؤیا به کسی چیزی نگویند.